

ویژگی‌های حکومت مهدوی در پرتو سوره «ص»

سید محمود طیب حسینی^۱

چکیده

قرآن مجید به عنوان کتاب دین خاتم و جاودان الهی، از اندیشه‌ای منسجم درباره ابعاد مختلف سیاست و زندگی سیاسی دینی برخوردار است. شمار درخور توجهی از مستشرقان، به پیوند تاریخی و نه ذاتی قرآن و سیاست معتقدند و بر همین اساس نیز توجه قرآن به سیاست را تنها مختص آیات مدنی می‌دانند؛ اما نوشتار حاضر، در مقابل رویکرد مورد اشاره بر آن است که در آیات مکی قرآن نیز به امر سیاست و حکومت توجه جدی شده است. بر این اساس نوشتار پیش رو، ضمن بررسی رویکرد سیاسی در سوره ص، موضوع اصلی این سوره را طرح حکومت سیاسی پیامبر و جانشینان شایسته آن حضرت دانسته و اثبات کرده است که تحقق کامل و نهایی حکومتی ایده‌آل که در سوره «ص» پیش بینی شده، به دست امام مهدی علیه السلام خواهد بود. افزون بر این، برخی از ویژگی‌های حکومت مهدوی نیز از این سوره استخراج شده است که عبارت‌اند از: استحکام و استواری حکومت، برخورداری از قدرت بی‌خطای قضاوت و داوری و اجرای عدالت، برخورداری از حکمت و دانش مدیریت جامعه، برخورداری از قدرتی همچون سلیمان پیامبر و تسخیر همه نیروها، شایستگی برای حکومت و معصوم بودن و مصونیت از نفوذ شیطان برای فساد ناشی از قدرت، مورد تأیید الهی بودن حکومت، حکومت مطابق کتاب خدا، سنت پیامبر و...

واژگان کلیدی

امام مهدی در قرآن، سوره ص، وحدت موضوعی سور، حکومت در قرآن، حکومت مهدوی، ویژگی‌های حکومت مهدوی در قرآن.

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم (tayebehoseini@rihu.ac.ir).

مقدمه

یکی از مباحث مهم در زمینه مهدویت، بحث درباره ویژگی‌های حکومت مهدوی در قرآن است. اساساً طرح موضوع مهدویت در قرآن از مباحث زیربنایی در باب مهدویت است و نشان‌دهنده پیوند عمیق میان روایات اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن مجید خواهد بود. بی‌شک آیات متعددی از قرآن مجید در سوره‌های مکی و مدنی قرآن به مهدویت و حکومت جهانی امام مهدی اشاره دارد. در مقاله حاضر درباره ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی در سوره ص که یکی از سوره‌های مکی قرآن است بحث می‌شود.

پیشینه

به طور کلی درباره مهدویت در قرآن تاکنون کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی نوشته شده زوایای مختلف این موضوع را به بحث گذاشته‌اند. این نگارش‌ها که از گذشته در میان دانشمندان شیعه رواج داشته^۱ در سال‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. برخی از مقالات در ارتباط با مهدویت در قرآن عبارتند از: «انتظار و مهدویت در قرآن کریم»،^۲ «مهدویت در قرآن؛ آیات منبع»،^۳ «مهدویت در قرآن؛ آیات مختص»،^۴ «بررسی تطبیقی آیات مهدویت (اظهار دین) از دیدگاه فریقین»،^۵ «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»،^۶ «آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری»،^۷ «درآمدی بر طرح اندیشه مهدویت در قرآن و سنت»،^۸ «طرح اندیشه مهدویت در قرآن»،^۹ «شبهات‌های امام مهدی علیه‌السلام و پیامبران الهی در قرآن»،^{۱۰} «مهدویت در تفسیر آیات

۱. در این باره دو لوح فشرده تولید شده که به معرفی آثار و منابع مرتبط با امام زمان علیه‌السلام و مهدویت پرداخته است؛ یکی «کتاب‌شناسی منابع اسلامی در باره امام عصر علیه‌السلام» است و دیگری «در آینه قلم» نام دارد که شامل معرفی هشت‌هزار اثرند. این دو اثر در پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا تولید شده‌اند. لوح فشرده دیگری نیز با نام «نورالولایه» مشتمل بر متن کامل ۱۲۶ جلد کتاب مرتبط با مهدویت تهیه شده است (نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

۲. نگاشته سید محمدحسین طباطبایی و سیدمهدی برومند، دوهفته‌نامه «گلستان قرآن»، ش ۱۹۵، نیمه اول دی ۱۳۸۳.

۳. نگاشته غلامحسین تاجری نسب، فصل‌نامه «سقیه»، ش ۱۱، تابستان ۱۳۸۵.

۴. نگاشته غلامحسین تاجری نسب، فصل‌نامه «سقیه»، ش ۱۲، پاییز ۱۳۸۵.

۵. نگاشته دکتر فتح‌الله نجارزادگان، فصل‌نامه «مشرق موعود»، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۸.

۶. نگاشته حسین خنیفر، جواد زروندی و نفیسه زروندی، فصل‌نامه «مشرق موعود»، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۹.

۷. نگاشته دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، فصل‌نامه «مطالعات تفسیری»، ش ۴، زمستان ۱۳۸۹.

۸. نگاشته امیر غنوی، فصل‌نامه «مشرق موعود»، ش ۲۲، بهار ۱۳۹۱.

۹. نگاشته امیر غنوی، فصل‌نامه «مشرق موعود»، ش ۲۳، تابستان ۱۳۹۱.

۱۰. نگاشته منصور پهلوان، محمدعلی مهدوی‌راد و فرزانه روحانی مشهدی، فصل‌نامه «مشرق موعود»، ش ۲۵، بهار ۱۳۹۲.

اسراء^۱، در این آثار، محققان و مؤلفان کوشیده‌اند ریشه‌های اندیشه مهدویت را در قرآن نشان داده و میان باور به مهدویت و قرآن پیوند زنند. با این همه تلاش، پژوهش در باب مهدویت و قرآن در آغاز راه بوده و ظرفیت‌های بحث در این موضوع فراوان، و راه‌های نرفته بی‌شمار است. تفاوت موضوع مقاله حاضر با آثار ذکر شده روشن است، به طوری که تاکنون در بررسی‌ای که انجام شد اثری در ارتباط با ویژگی‌های حکومت مهدوی از منظر قرآن به طور عام و از منظر سوره ص به طور خاص تألیف نشده است.

مفاهیم بحث

پیش از طرح اصلی بحث توضیح درباره چند مفهوم ضروری است:

۱. **حکومت:** مقصود از حکومت همان دولت است. بر اساس تعریفی حقوقی، دولت کاملترین سازمان متمرکز و متشکل سیاسی و نخستین، اصلی‌ترین و مهم‌ترین عضو جامعه بین‌المللی است که از اجتماع دایم و منظم گروهی از افراد بشر که در سرزمینی معین و مشخص به طور ثابت سکونت گزیده و تابع یک قدرت سیاسی مستقل هستند تشکیل شده است (دیرباز و صادقی، ۱۳۹۰: ۸۴، به نقل از: ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۰۱) برای حکومت و دولت ویژگی‌هایی را بر شمرده‌اند که اهم آن‌ها از این قرار است:

- دولت نهادی است که انحصاراً حق توسل به قدرت و خشونت مشروع را داشته و باید قدرتی بلامنازع و مطلق در محدوده کشور باشد (همو، به نقل از: وبر، ۱۳۸۲: ۹۲).
- دولت مظهر مصلحت عمومی است.
- یکی از مهم‌ترین وظایف دولت تأمین رفاه و امنیت است (همو، به نقل از: بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۶).

۲. **مهدوی:** «مهدوی» اسم منسوب به «مهدی» است و مقصود از آن امام مهدی علیه السلام است که در باور شیعه دوازدهمین پیشوای معصوم، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام است که از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از قبیله قریش بوده در منابع دینی به عنوانی منجی بشریت به ظهور وی در آخر الزمان بشارت داده شده است. آن حضرت در سال ۲۵۶ قمری به دنیا آمده و اکنون در پس پرده غیبت به سر می‌برد.

۳. **سوره ص:** سوره ص در ترتیب مصحف سی و هشتمین سوره قرآن است که بعد از سوره صافات و قبل از سوره زمر قرار گرفته است. در ترتیب نزول نیز مطابق روایت مشهور عطای

۱. نگاشته محمد هدایتی، فصل نامه مطالعات تفسیری، ش ۱۳، بهار ۱۳۹۲.

خراسانی از ابن عباس که موثق‌ترین روایت در این باره معرفی شده و طبرسی (۱۳۷۲: ج ۱۰، ۶۱۳) آن را نقل کرده است، این سوره در همین رتبه ۳۸ قرار دارد، که پس از سوره قمر و پیش از سوره اعراف نازل شده است. دیدگاهی نیز مبنی بر مدنی بودن سوره ص نقل شده است که البته این دیدگاهی ناصحیح و بر خلاف مشهور است (نک: آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۲، ۱۵۴؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۲۳، ۱۰۶). قاریان کوفی تعداد آیات این سوره را ۸۸ آیه و قاریان حجازی (مکی و مدنی) و بصری و شامی ۸۶ آیه شمارش کرده‌اند. سوره ص به اتفاق نظر مفسران سوره‌ای مکی است. قرشی نزول آن را در سال‌های پنجم و ششم بعثت حدس زده (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۹، ۱۹۵)؛ اما ابن عاشور نزول آن را در سال آخر حیات ابوطالب، یعنی حدود سال دهم بعثت تخمین زده است (ابن عاشور، بی تا: ج ۲۳، ۱۰۷).

مبانی و پیش‌فرض‌های بحث

الف) نوشتار حاضر در پی اثبات آن است که در آیات مکی قرآن نیز به امر حکومت توجه جدی شده و این موضوع به نوبه خود نشان دهنده پیوند ذاتی قرآن و فراتر از آن، پیوند اسلام با سیاست و حکومت است.

ب) بررسی موضوع ویژگی‌های حکومت مهدوی در سوره ص بر این مبنا و فرض استوار است که سوره مورد اشاره با استمرار حاکمیت دینی پیامبر و جانشینان شایسته آن حضرت که نخستین آن‌ها شخص پیامبر و سپس حضرت علی علیه السلام و آخرین آن‌ها حضرت مهدی علیه السلام است رابطه‌ای مستقیم دارد. طرح مسائل سیاسی و حکومت در این سوره که جزو سور مکی قرآن است در واقع نشان دهنده امتزاج بنیادین اسلام سیاسی نه تنها در شرایط وجود دولت در زمان حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ بلکه در شرایطی که اسلام به لحاظ اجتماعی در اقلیت قرار دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنوز موفق نشده است دولت تشکیل دهد و هم‌چنین نشان دهنده امتزاج دین و حکومت بعد از آن حضرت نیز بوده و حکومت دینی طراحی شده در سوره ص استمرار داشته و تحقق کامل بخش‌هایی از آن گویا اختصاص به زمان آخرین خلیفه الهی، امام مهدی علیه السلام به باور شیعه خواهد داشت.

ج) رویکرد پژوهش حاضر در استنباط ویژگی‌های حکومت مهدوی در قرآن مبتنی بر نظریه وحدت موضوعی یا وحدت غرض سور است. بر اساس این نظریه، هر سوره از قرآن دارای هدف و غرض خاصی است که همه آیات آن سوره بر محور آن غرض شکل گرفته است. غرض هر سوره در واقع موضوع اصلی آن سوره و به عبارتی دیگر شخصیت سوره را شکل داده و موجب

تمایز آن سوره از سایر سوره قرآن، به ویژه سوره‌های مشابه در شکل و محتوا می‌شود. نظریه وحدت موضوعی سوره امروزه طرفداران بسیاری دارد که معتقدند هر سوره از قرآن دارای یک غرض اساسی و یک موضوع اصلی و محوری است که بر همه آیات آن سوره سایه انداخته است، و بر اساس آن هر سوره را باید به عنوان یک واحد کاملاً منسجم و به هم پیوسته دید که تمام آیات آن باید با هم دیده شده و با هم تفسیر شود. از این نظریه به «وحدة سوره القرآن» تعبیر می‌شود (نک: دراز، ۱۴۰۴: ۱۱۸).

صاحب نظران حوزه معارف قرآنی بر این نکته تأکید می‌کنند که دقت و تأمل در فهم مقاصد هر سوره بهترین راه برای فهم معانی آیات آن سوره است. محمد مدنی یکی از پیشگامان در این عرصه می‌گوید:

تا منظر عام سوره را با دید باز ننگری، هرگز نتوانی به درک جزئیات ترسیم شده در پهنای سوره دست یابی. (نک: معرفت، ۱۳۷۹: ج ۲، ۴۰۸)

وی همچنین می‌نویسد:

این روش برای مطالعه بررسی قرآن کریم سودمندتر از آن است که آیات آن یکی پس از دیگری بر حسب ورود و ترتیب آن‌ها در سوره مطالعه و بررسی شود. (مدنی، ۱۹۹۱: ۵-۷)

با توجه به مبانی و پیش فرض‌هایی که بیان شد، پیش از استنباط ویژگی‌های حکومت مهدوی در سوره ص ابتدا لازم است موضوع اصلی و محوری این سوره معرفی شود. اما پیش از آن دو روایت تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام که دو آیه این سوره را به بحث مهدویت مرتبط کرده است مرور می‌کنیم. مرور این دو روایت و سپس معرفی موضوع اصلی سوره ص و در نهایت تحلیل این دو روایت در ارتباط با موضوع مقاله، یعنی استنباط ویژگی‌های حکومت مهدوی در سوره مورد بحث، بیانگر یک نکته روشی در شرح میراث تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام است که می‌توان آن را مهم‌ترین نقطه تمایز مقاله حاضر با سایر مقالات مشابه به شمار آورد، و به نظر این شیوه بحث می‌تواند باب جدیدی را در تفسیر آیات مهدویت در قرآن مجید و تحلیل روایات اهل بیت علیهم‌السلام در این باره به روی پژوهشگران بگشاید.

روایات مربوط به مهدویت در تفسیر سوره

با بررسی دو تفسیرگران سنگ و جامع *نورالثقلین حویزی* و *البرهان فی تفسیر القرآن* بحرانی مجموعاً سه روایت در تفسیر سوره ص، ذیل دو آیه از این سوره در ارتباط با مهدویت ذکر شده است. این سه روایت به این قرار است:

کلینی در اصول کافی از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از منصور، از فضیل اعور، از ابوعبیده حذاء و او از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود:

يا ابا عبدة! إذا قام قائم آل محمد حكم بحكم داود وسليمان، لا يسئل [عن] بينة؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۳۲۲؛ عروسی خویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۴۵۲)
ای اباعبیده! هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به حکم (شبیبه) داوود و سلیمان حکم خواهد کرد و از بینه و دلیل سؤال نمی‌کند . . .

محمد بن یحیی از احمد بن محمد از محمد بن سنان از ابان نقل کرده است که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

لا تذهب الدنيا حتى يخرج رجل مني يحكم بحكومة آل داود، ولا يسأل بينة، يعطي كل نفس حقها؛ (منابع پیشین)
دنیا از بین نرود تا زمانی که مردی از من خروج کند که همانند آل داوود حکم می‌کند، و از بینه سراغ نمی‌گیرد، و به هر کسی حقش را عطا می‌کند.

در روضه کافی، علی بن محمد، از علی بن عباس، از حسن بن عبدالرحمان، از عاصم بن حمید، از ابو حمزه و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

في قوله عز وجل: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ قال أمير المؤمنين علیه السلام: «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ قَالَ: عند خروج القائم. (عروسی خویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۴۷۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۶۸۷)

ظاهر روایت این است که امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ * إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (ص: ۸۶ - ۸۷) فرمود: مقصود از این آیه امیرمؤمنان علیه السلام است؛ یعنی امیرمؤمنان ذکر و یادآوری برای جهانیان است، و در ادامه که فرمود: «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ؛ و حتماً خبر آن را بعد از مدتی خواهید دانست» آن هنگامی که خبرش را خواهند دانست، هنگام خروج قائم و قیام امام زمان است. یک احتمال نیز درباره معنای حدیث این است که امام باقر علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کنند که ایشان درباره آیه شریفه ﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾ فرمود که مردم خبر آن را، یعنی خبر آیه قبل را هنگام خروج حضرت قائم علیه السلام خواهند دانست. فیض کاشانی از روایت همین معنای دوم را برداشت کرده است، به همین دلیل روایت را به طور مستقیم از امیرمؤمنان نقل کرده است، به این عبارت:

في الكافي عن أمير المؤمنين علیه السلام قال عند خروج القائم علیه السلام. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۱۲)

اما مصححان تفسیر شریف البرهان برداشت نخست را داشته و روایت را مطابق همان برداشت ویرایش کرده‌اند.

اگر کسی به این سه روایت نظر کند ممکن است بیندازد که در دو روایت نخست امام صادق و امام باقر علیهما السلام دو آیه از این سوره را بر قیام امام زمان و داوری کردن عادلانه آن حضرت تطبیق کرده‌اند، و این از قبیل جری و تطبیق و یا باطن آیه است. روایت سوم نیز به نظر مبهم می‌آید و مطلب روشنی را بیان نمی‌کند؛ زیرا آن خبری که مردم هنگام قیام قائم علیه السلام خواهند دانست به طور روشن و معناداری معلوم نیست کدام خبر است. شاید به دلیل همین ابهام بوده است که مفسران بزرگ و مشهور معاصر همچون صاحبان المیزان و نمونه و جز این‌ها متعرض این روایات نشده‌اند.

به هر روی به نظر می‌رسد سه آیه آخر سوره همسایق‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه و مرجع ضمیر «نبأه» می‌نویسد:

قوله تعالى: ﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدَ حِينٍ﴾ أى لتعلمن ما أخبر به القرآن من الوعد والوعيد و ظهوره على الأديان وغير ذلك بعد حين أى بعد مرور زمان. قيل: المراد بعد حين يوم القيامة، وقيل: يوم الموت، وقيل: يوم بدر، ولا يبعد أن يقال: إن نبأه مختلف لا يختص بيوم من هذه الأيام حتى يكون هو المراد، بل المراد به المطلق فلكل من أقسام نبأه حينه. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ۲۲۸)

به نظر نگارنده فهم روشن، صحیح و عمیق این سه روایت تنها در پرتو تأمل در سیاق کل سوره و باور به وحدت موضوعی سوره و فهم و تشخیص صحیح موضوع و غرض اصلی سوره ص میسر است و در غیر این صورت تنها به فهمی ناقص و بسیار سطحی از این روایات نیل خواهیم شد. به عبارت دیگر هر چه فهم ما از موضوع و غرض سوره ص صحیح‌تر و کامل و جامع‌تر باشد درک روشن‌تر و عمیق‌تری از سه روایت یاد شده خواهیم داشت. برای نیل به شناخت موضوع اصلی سوره ص توجه به مطلب ذیل ضروری است.

طرح مسایل سیاسی در قرآن مکی

قرآن مجید - به اعتراف غالب پژوهشگران در عرصه قرآن پژوهی - در برگیرنده عناصر و مفاهیمی است که کنار هم نهادن آن‌ها می‌تواند اندیشه‌ای منسجم را درباره سیاست و زندگی سیاسی مؤمنانه ارائه نماید. در زمینه جایگاه سیاست در قرآن پرسش‌های مختلفی را می‌توان مطرح کرد. پرسش‌هایی از این قبیل: آیا به مسائل مربوط به زندگی سیاسی در قرآن توجه شده است؟ مباحثی از قبیل دولت، قدرت، حاکمیت، سلطه، آزادی، عدالت، مشروعیت، مشارکت،

بیعت، نظارت بر قدرت، تمرکز یا توزیع قدرت و روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها از چه جایگاهی در قرآن برخوردار هستند (نک: لک‌زایی، ۱۳۸۶: ۱۵). از جمله مباحثی که به میزان قابل توجهی در زمینه جایگاه سیاست در قرآن اهمیت دارد، بحث پرداختن به امر سیاست و حکومت در آیات مکی و مدنی است. به این معنا که در کدام دسته از سور قرآن به سیاست توجهی جدی‌تر صورت گرفته است؟ البته طرح چنین پرسشی به علت رویکردهای خاصی است که برخی مستشرقان مطرح کرده‌اند؛ به این معنا که برخی محققان غربی معتقدند در سوره‌های مکی اندیشه سیاسی وجود ندارد و اساساً طرح اندیشه سیاسی در قرآن مربوط به سوره‌های مدنی است. علت این امر را نیز باید در مسائل و موضوعاتی خارج از متن قرآن، یعنی در تغییر و تحولات تاریخی و اجتماعی جست‌وجو کرد. این دسته از محققان غربی با تأکید بر این که قرآن در آیات مکی رویکردی منفی نسبت به سیاست و اجتماع داشته است و اساساً اندیشه سیاسی در اواخر دوره مکی پیدا شد و نتیجه تحولات تاریخی بود که پس از مهاجرت پیامبر اسلام ﷺ از مکه به مدینه رخ داد (نک: تیجانی، ۱۳۸۹: ۲۹). چنین رویکردی موجب شده است برخی از مستشرقان برخلاف دیدگاه عمومی مسلمانان که هجرت پیامبر را گسترش و ادامه روند دعوت مکی می‌دانند، معتقد شوند هجرت تغییری ماهوی در رسالت پیامبر ﷺ و محتوای دعوت ایشان ایجاد کرد. پرچم‌دار این عقیده شرق‌شناسی به نام گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۰م) است. او به ویژه در کتابش با عنوان *عقیده و شریعت در اسلام*، این ایده را مطرح می‌کند. البته مستشرقانی مانند بوهل، اندره و مونتگمری وات نیز به همین ایده تکیه کرده‌اند و در بررسی‌های خود چنین رویکردی را نسبت به قرآن و فراتر از آن نسبت به دین اتخاذ نموده‌اند (نک: همو: ۳۱-۳۲). برخلاف چنین رویکردی تأمل در سور و آیات مکی قرآن نشان می‌دهد سیاست در این دسته سور و آیات نیز همچون سور مدنی و گاه شدیدتر و زیربنایی‌تر از سور مدنی از جایگاه برجسته‌تری برخوردار است. بر این اساس می‌توان گفت آیات و سور مکی قرآن از ظرفیت مناسبی برای فهم بنیان‌های نظری اندیشه سیاسی اسلام برخوردار است (همو: ۱۱). با توجه به نکات یاد شده ویژگی‌های حکومت مهدوی را با تأمل در آیات سوره ص به صورت یکپارچه و با در نظر گرفتن تناسب میان آیات آن پی می‌گیریم.

بررسی موضوع اصلی سوره ص

موضوع اصلی سوره ص تأکید بر تثبیت دین اسلام در زمین و تشکیل حکومتی عادلانه و مقتدر در سایه این دین الهی در آینده است. به علاوه این که بعضی از آسیب‌ها و تهدیدهایی که فراروی حاکمان اسلامی است را گوشزد می‌کند.

با تأکید بر این که توجه به توحید و وحی و نبوت و معاد، تقریباً در همه سوره‌های قرآن به عنوان هدف اصلی و کلی و غرض کلان این کتاب هدایت الهی است، اما با تأمل در سیاق آیات و روایات سبب نزول سوره ص، به دست می‌آید که موضوع محوری سوره ص تأکید بر استقرار و استمرار حاکمیت دینی پیامبر با معرفی برخی ویژگی‌ها و آسیب‌های پیش روی آن است.

سبب و فضای نزول سوره ص

در یک روایت آمده است که پس از آن که پیامبر دعوت خود را علنی ساخت بزرگان قریش در خانه ابوطالب گرد هم آمدند و به او گفتند: پسر برادرت خردمندان ما را سفیه می‌خواند و جوانان ما را تباه ساخته، وحدت و همبستگی ما را شکسته است. اگر این همه به جهت فقر و ناداری است مالی انبوه برایش جمع کنیم که ثروتمندترین ما گردد و او را بر خود فرمانروا خواهیم ساخت. چون ابوطالب این پیشنهاد را به پیامبر بازگفت، حضرت فرمود: «اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند باز پیشنهاد آنان را نمی‌پذیرم». روشن است که این تعبیر رسول خدا ﷺ کنایه از فرمانروایی بر همه عالم است، که اگر مشرکان آن را هم به من دهند از دعوت خود دست نمی‌کشم. سپس پیامبر ادامه داد: اما آنان اگر یک کلمه از من بپذیرند بر همه عرب فرمانروا گردند و عجم را خاضع و مطیع خود سازند و در بهشت پادشاهی کنند. گفتند: یک کلمه که سهل است ده کلمه بگو! پیامبر فرمود: به یگانگی الله و رسالت من شهادت دهید. گفتند: آیا ۳۶۰ خدا را وانهیم و یک خدا را عبادت کنیم؟ در این زمان سوره ص نازل شد (قمی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۳۲۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۴۴۳) شبیه به این روایت در منابع حدیثی و تفسیری اهل تسنن نیز درباره سبب نزول این سوره نقل شده است (نک: طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۳، ۸۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ۷۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۷، ۴۶). جز این، برای سایر بخش‌ها و آیات این سوره سبب نزولی بیان نشده است، بنابراین چنین به نظر می‌رسد که سیاق کل سوره کاملاً به هم پیوسته و منسجم بوده و نشان از یکپارچگی تمام آیات سوره داشته و دلالت بر نزول یکباره آن دارد (نک: دروزه، ۱۳۸۳: ج ۲، ۲۹۸). بنابراین باید گفت تمام سوره در پی حادثه یاد شده نازل شده و به دنبال علاج همان واقعه است، بنابراین، این سوره در فضایی نازل شده که سران مشرک مکه به قصد مصالحه با پیامبر و به سازش کشاندن آن حضرت نزد ابوطالب آمدند که با طرح پیشنهادها و دادن امتیازاتی، رسول خدا ﷺ را از ادامه مسیر در تبلیغ وحی و دعوتش بازدارند.

در چنین فضایی سوره ص نازل شد و با تأیید پیامبر، موضع کفار و مشرکان را بیان و ضمن

رد پندارهای آنان درباره وحی، از هم اکنون قدرت و سپاه آنان را شکست خورده اعلام کرد: ﴿جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ﴾ (ص: ۱۱).

مضمون سوره ص: استقرار و تثبیت حکومت دینی

همان طور که مفسران اشاره کرده اند در یک تقسیم بندی کلی، معارف مطرح در سوره ص را می توان در پنج بخش جای داد. در بخش نخست، به بعضی از رفتار کافران اشاره کرده و با رد آن، مشرکان را نسبت به رفتار و موضع گیری شان در برابر دعوت پیامبر انداز می دهد. سوره با یکی از حروف مقطعه و با سوگند به قرآن یادآوری کننده آغاز می شود:

﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾

و چون مهتران مشرکان نتوانستند با تطمیح، نظر پیامبر را به خود جلب کنند یکدیگر را به پرستش معبودهای خود دعوت کرده مصمم شدند تا به هیچ وجه در برابر پیامبر کوتاه نیایند ﴿وَ انطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَ اضْبُرُوا عَلٰی ءالِهَتِكُمْ إِنَّ هٰذَا لَشٰیءٌ یُّرَادُ﴾. (ص: ۶)

مشرکان با اظهار این که در آخرین دین (دین مسیح) هیچ سخنی از توحید نشنیده اند در میان مردم شبهه می کردند که چرا وحی باید بر شخصی چون محمد که از نظر ثروت و قدرت از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست نازل شود:

﴿أءَنْزَلَ عَلَیْهِ الذِّکْرَ مِنْ بَیْنِنَا بَلْ هُمْ فِی شَکٍّ مِّنْ ذِکْرِی بَلْ لَمَّا يَدُوْفُوْا عَذَابٍ﴾. (ص: ۸)

و خدا بار رد پندار آنان می گوید: مگر خزانه های رحمت پروردگار نزد آنان است؟ و یا فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن آنان است که نظر می دهند وحی خدا بر چه کسی نازل شود؟ اگر چنین است بیایند از نردبان ها و راه های آسمان بالا روند و امور عالم را تدبیر کنند و یا وحی را بر هر کس که می خواهند فرود آورند، اما آیات با قاطعیت و صراحت از آینده آنان خبر می دهد که: ای پیامبر! از تهدید آن ها هیچ نگرانی به خود راه مده که از هم اکنون آنان لشکری در هم شکسته اند:

﴿جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ﴾. (ص: ۱۱)

و بر شکست قطعی کافران چنین استدلال می کند که ما پیش از این ها اقوام بزرگ و قدرتمند دیگری چون قوم نوح و عاد و فرعون بسیار نیرومند و قوم ثمود و لوط و اهل مدین را که پیامبران شان را تکذیب کردند مجازات کردیم و به آنان حتی به اندازه فاصله میان دوبار

دوشیدن شتر مهلت ندادیم:

﴿وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا هُمْ مِنَ فُؤَادٍ﴾. (ص: ۱۵)

بنابر این شکست مشرکان اهل مکه در مقایسه با اقوام قدرتمند گذشته، برای خدای قادر متعال کاری بس آسان است.

بخش دوم آیات سوره به بیان قصه داوود علیه السلام پرداخته است. روشن است که هدف از طرح قصه‌های امت‌ها و پیامبران گذشته در قرآن مجید بیان قصه و سرگذشت و تاریخ نیست، بلکه هدف، هدایت و تربیت و بیان اصول و راه‌های سعادت‌مندی بشر در دنیا و آخرت است. به همین جهت است که به‌رغم تکراری که در قصه‌های پیامبران در قرآن به ذهن می‌رسد، به جرأت می‌توان گفت هیچ قصه‌ای در قرآن تکرار نشده است، بلکه به مقتضای غرض و موضوع اصلی و محوری هر سوره زاویه طرح قصه نیز تغییر می‌کند. برای مثال قصه داوود علیه السلام در سوره‌های بقره، انبیاء، نمل، سبأ و ص آمده است، و در هر سوره مطابق غرضی که آن سوره داشته است بخشی از قصه و از زاویه خاصی، متفاوت با سوره‌های دیگر نقل شده است. داستان داوود علیه السلام با این آیه آغاز می‌شود:

﴿صَبْرًا عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْنَا عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ وَالطَّيِّبُ مَحْشُورَةٌ كُلُّ لُهُ أَوَّابٌ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخَطَابِ﴾؛ (ص: ۱۷-۲۰)

ای پیامبر! در برابر فشارهای سنگین مشرکان صبر کن و به داوود قدرتمند بیاندیش. ما کوه‌ها را مسخر او ساختیم تا در صبح و شام تسبیح خدا گویند، و پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم تا همراه او تسبیح خدا گویند، و حکومت او را استحکام بخشیدیم، هم دانش به او دادیم و هم داور عادلانه!

مفاهیم سیاسی و حکومتی در این بخش از داستان عبارتند از:

۱. قدرتمند (ذا‌الاید). البته قدرتمندی حضرت داوود به وصف «اَوَّاب» بودن وی توأم شده است، یعنی داوود علیه السلام با آن قدرت بی‌نظیری که در اختیار داشت همواره به درگاه خدا رو آورده، او را تسبیح می‌گفت و اظهار نیاز می‌کرد.

۲. تسخیر کوه‌ها و پرندگان برای داوود در تسبیح خداوند. این صفت از یک سو کنایه از قدرت فوق‌العاده داوود علیه السلام است و از دیگر سو نشانگر استفاده صحیح از قدرت در جهت تسبیح خدای تعالی.

۳. استحکام در فرمانروایی (شددنا ملکه). این ویژگی نیز بیانگر توان بسیار بالای داوود در

اداره حکومت و مدیریت همه نیروهای در اختیار و موجود در جامعه است.

۴. برخورداری از حکمت. برخورداری از حکمت نیز از لوازم قدرت مشروع از نظر الهی است تا در بهره‌گیری از قدرت کاملاً حکیمانه عمل کرده و از قدرت در جهت هوس‌ها و منافع شخصی خود بهره‌نگیرد. حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۶۳).

۵. قضاوت و داوری عادلانه (فصل القضا). بدیهی است یکی از لوازم اقتدار حکومت برخوردار حاکم از قوه قضاوت نیرومند، عادل و برخوردار از ابزارهای کسب آگاهی است.

در بخش سوم سوره قصه حضرت سلیمان علیه السلام آمده است. این قصه نیز همچون قصه داوود از زاویه خاص متناسب با هدف سوره و متفاوت با قصه سلیمان علیه السلام در سایر سوره‌ها آمده است. خدا به داوود سلیمان را بخشیده، نیک بنده‌ای که بسیار رو به خدا داشت: «وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص: ۳۰). و او با داشتن سپاهیان و مجاهدان بی نظیر بسیار قدرتمند بود: «إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ» (ص: ۳۱). و او به خاطر خدا و در راه خدا به آن همه سپاه و قدرت عشق می‌ورزید: «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص: ۳۲): اما خدای تعالی با بخشیدن فرزندى ناقص الخلقه همچون جسدی بی‌روح او را آزمود (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۷۴۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۶، ۳۰۱) و به خود آورد و در نتیجه آن، سلیمان به درگاه خدا استغفار و انابه کرد: «وَوَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ» (ص: ۳۴). و در آن حال از خدا حکومت و فرمانروایی‌ای ویژه طلب کرد که جز او به کس دیگری نبخشد: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص: ۳۵)، خدا هم دعایش را مستجاب کرد و باد و شیاطین را به فرمانش در آورد (نک: ص: ۳۶-۳۹) و با این همه قدرت، هم مقرب درگاه خدا بود و هم از حسن عاقبت برخوردار است: «وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَ حُسْنَ مَآبٍ» (ص: ۴۰).

مفاهیم سیاسی و حاکمیتی این بخش سوره عبارتند از: ۱. جانشین داوود در حکومت فرزند وی بود، یعنی نزدیک‌ترین نسبت را با داوود علیه السلام داشت؛ ۲. برخورداری از نیروی نظامی قدرتمند. «صافنات» جمع صافنه به معنای اسبان چابکی است که هنگام ایستادن یک دست خود را خم کرده نوک سم را روی زمین می‌گذارد، و این نشانه چابکی و

آماده به حرکت بودن اسب است، «جیاد» نیز جمع جواد به معنای اسب تیزرو و سریعی است که در دویدن گام‌های بلند برمی‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۷۴۰)، بنابراین آیه شریفه از نیروی نظامی قدرت‌مندی خبر می‌دهد که بر سلیمان عرضه شد و در اختیارش قرار گرفت و سلیمان از آن‌ها سان دید. ۳. سلیمان از خداوند مُلک و فرمانروایی از خدا درخواست کرد که بعد از وی به کسی داده نشود. این فرمانروایی اطلاق داشته و شامل هر نوع قدرت مادی و معنوی می‌شود که بتوان با آن بر مردم حکومت کرد و حکومتی نافذ داشت، به گونه‌ای که علاوه بر جسم مردم بر دل‌های آن‌ها نیز حکومت کرده و مردم با جان و دل تابع و تسلیم آن باشند.

در بخش چهارم سوره قصه ایوب پیامبر و ابتلای آن حضرت و اشاره‌ای به قصه‌های برخی دیگر از پیامبران دارد که پیام خاص خود را دارد. و به دلیل عدم ارتباط با موضوع مقاله حاضر از طرح آن اجتناب می‌کنیم.

در بخش بعدی سوره مخاطبان را به داستان آفرینش آدم و مقام او و سوگند شیطان برای گمراهی و سقوط بنی‌آدم توجه می‌دهد. خدا بشری را از گل آفرید و از فرشتگان خواست برای او سجده کنند، اما ابلیس از روی استکبار امتناع ورزید و خود را برتر از انسان معرفی کرد و چون به دلیل این نافرمانی از درگاه خدا رانده و تا قیامت مشمول لعنت خدا شد از خدا مهلت خواست و سوگند یاد کرد که بنی‌آدم را از راه به در برد و به سقوط کشاند، جز بندگان مخلص خدا که خدا آنان را خالص ساخته و از گمراهی معصومشان داشته است:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُعْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾. (ص: ۷۹-۸۳)

از این بخش سوره دو نکته در ارتباط با حکومت در جامعه اسلامی استفاده می‌شود، که در واقع طرح قصه آدم و شیطان در این سوره را توجیه می‌کند و با قصه آدم در سایر سوره‌های قرآن متمایز می‌گرداند:

۱. با سوگندی که شیطان برای فریب بنی‌آدم خورده است هیچ انسانی از آسیب قدرت در امان نیست، و قدرت هر انسانی را در معرض انحراف و فساد و گمراهی قرار می‌دهد؛

۲. همواره در جامعه اسلامی انسان‌هایی مخلص و خودساخته به صورت بالفعل وجود دارند و در آینده نیز وجود خواهند داشت که خداوند آنان را از نظر روحی و جسمی و فکری خالص گردانده است و تنها این گروه شایستگی حکومت دارند و هرگز دست شیطان به آنان نمی‌رسد و قدرت، یارای انحراف و تباه کردن آنان را ندارد.

رابطه مفاهیم سوره ص با حکومت امام مهدی علیه السلام

اکنون بعد از توضیح موضوع و غرض اصلی سوره ص بازمی‌گردیم به توضیح سه روایتی که در آغاز مقاله به آن اشاره شد:

در روایت نخست که کلینی آن را نقل کرده، ابوعبیده حذاء از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود:

ای اباعبیده! هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به حکم (شبیهِ) داوود و سلیمان حکم خواهد کرد و از بینه و دلیل سؤال نمی‌کند... (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ۳۲۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۴۵۲)

و در روایت دوم محمدبن سنان از ابان نقل کرده است که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرماید:

دنیا از بین نرود تا زمانی که مردی از من خروج کند که همانند آل داوود حکم می‌کند، و از بینه سراغ نمی‌گیرد، و به هر کسی حَقش را عطا می‌کند. (منابع پیشین)

این دو روایت در مضمونی یکسان به یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های حکومت امام مهدی علیه السلام که به حکومت و داوری عادلانه برمی‌گردد اشاره دارد، شاخصه‌ای که تقریباً همه حکومت‌های بشری فاقد حد کامل آن هستند و جز در حکومت انبیاء و اولیای الهی، یعنی پیشوایان معصوم دیده نمی‌شود.

اما روایت سوم به نظر مهم و در مقایسه با این دو روایت به ویژگی‌های جامع‌تری از حکومت امام مهدی علیه السلام اشاره داشته، و وجود همه شاخصه‌های مربوط به قدرت و حاکمیت دینی مطرح در سوره ص را تحقق یافته در امام مهدی علیه السلام معرفی می‌کند. به عبارت دیگر تحقق همه وعده‌هایی که خدای تعالی در این سوره شریف مکی در ارتباط با استقرار دین حق در زمین به پیامبرش حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم داده است به طور کامل در دولت و حکومت امام مهدی علیه السلام خواهد بود. در این روایت ابو حمزه از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که امام درباره آیه شریفه: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» فرمود: «مقصود از این آیه امیرمؤمنان علی علیه السلام است». با توضیحی که درباره موضوع اصلی سوره داده شد و مطابق با این روایت از امام باقر علیه السلام روشن می‌شود که مقصود از ضمیر «هو» که یادآوری و پند برای جهانیان، و نه برای خصوص مردم عصر پیامبر و مشرکان مکه معرفی شده، وعده‌های مطرح در این سوره مبنی بر اعطای حکومت داوودی و قدرت سلیمانی و صبر ایوبی، همراه با مصونیت از نفوذ و گمراهی شیطان است که پس از پیامبر، از میان صحابه آن حضرت، فقط و فقط در امیر مؤمنان

علی علیه السلام تجلی و تحقق یافته است. سپس امام باقر علیه السلام در ادامه می فرماید:

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ؛

و خبر آن را بعد از مدتی خواهید دانست.

در این بخش از آیه نیز ضمیر «نبا» به همان وعده الهی مبنی بر حاکمیت دین حق در زمین و برچیدن شدن بساط شرک و کفر در زمین، که موضوع اصلی سوره است برمی گردد. روشن است که این وعده الهی وعده ای زمان دار و دارای سطوح مختلف است. آغاز تحقق این وعده در عهد مدینه در زمان پیامبر بوده است، سپس بعد از پیامبر در امیرمؤمنان علی علیه السلام تحقق یافته است و آن حضرت به طور خاص در زمینه حکومت و داوری و قضاوت میان مردم در میان اصحاب پیامبر شهره خاص و عام بودند، و در همه امور زندگی و شئون حکومت به ویژه قضاوت مصون از خطا و لغزش بودند، اما تحقق کامل وعده مطرح در این سوره در ظاهر و باطن و استقرار حکومت دینی با شاخصه های حکومت و داوری و قدرت داوود علیه السلام و قدرت تسلط بر همه چیز و همه ارکان قدرت و تسخیر همه امکاناتی که خدای تعالی مسخر بشر قرار داده است در زمانی بعد از این صورت خواهد گرفت که مطابق این روایت امام باقر علیه السلام زمان تحقق این وعده هنگام خروج و ظهور قائم آل محمد علیه السلام خواهد بود، و بر خلاف همه تفاسیری که مفسران از آیه آخر سوره صاد ارائه داده و ضمیر آن را به قیامت و اخبار قرآن و... برگردانده اند، این است معنای آیه شریفه «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ».

امام مهدی علیه السلام شاخص ترین مظهر تجلی قدرت و حکومت الهی در زمین

راز این که در اندیشه شیعی خلفای پیامبر و حاکم اسلامی باید از طرف خدا منصوب شود تحقق شرط مورد اشاره این سوره برای عهده داری رهبری دینی و اداره جامعه اسلامی برای استقرار حکومتی عادلانه در جامعه است این است که حاکمان دینی باید در برابر نفوذ و گمراهی شیطان مصونیت داشته و از بندگان مخلص خدا باشند. روشن است که شناخت بندگان مخلص خدا برای مردم غیرممکن است. مطابق روایات، این بندگان مخلص خدا که به حکم و حکومت عادلانه داوود و قدرت سلیمان داوری و حکمرانی می کنند امامان معصوم اند. اما در روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام کلیدی ترین آیات این سوره ناظر به مسئله حکومت بر دو امام تطبیق شده است: یکی حضرت علی علیه السلام (نک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۴۵۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۹۴-۵۰۰) و دیگری امام مهدی علیه السلام. در ضمن روایتی که اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام نقل کرده آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود: «به ما فصل الخطاب

داده شده است» (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۶۴۶). این تطبیق در حقیقت تطبیق قدرت و حاکمیت داوود علیه السلام و آن چه به وی داده شد، یعنی بنیادی ترین ویژگی های قدرت و حکومت بر اهل بیت از جمله علی علیه السلام و امام مهدی است. در روایت دیگری از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمودند: به خدا قسم آن چه به سلیمان داده شد و بالاتر، حتی چیزهایی که به سلیمان داده نشد به ما داده شده است (همو: ۶۵۴). در روایت دیگری آمده است که زید شحام از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (ص: ۳۹) می پرسد، و امام علیه السلام در پاسخ می فرماید:

خدا به سلیمان مُلک عظیمی عطا کرد، سپس این مُلک درباره رسول خدا ص جاری شد، و برای خدا بود که هر چه را به هر کس که می خواهد ببخشد و از هر کس که می خواهد منع کند، و به پیامبر برتر از آن چه به سلیمان داده بود بخشید... (نک: همو: ۶۵۵، ۶۶۰)

روشن است که مقایسه آن چه خدا به پیامبر و علی و اهل بیت ایشان داده است به آن چه به سلیمان داده شده در حوزه فرمانروایی و حکومت و قدرت است، نه اموری مانند علم و معرفت و عبادت و ...

باز در ضمن حدیث مفصلی که از انس نقل شده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمود:

ای انس هر کس بخواهد به آدم در علمش و به ابراهیم در وقارش و به سلیمان در قضا و حکومتش و به یحیی در زهدش و به ایوب در صبرش و به اسماعیل بن حزقیل در صدقش نگاه کند، به علی بن ابی طالب نگاه کند. ای انس! هیچ پیامبری نیست جز آن که خدا وزیری را به او اختصاص داده است و خدا چهار وزیر را به من اختصاص داده است: دو در آسمان که جبرئیل و میکائیل باشد و دو نفر در زمین که علی بن ابی طالب و حمزه باشد. (همو: ۶۷۸)

در روایت دیگر آمده است که منافقان با شنیدن این آیه به یکدیگر گفتند:

آیا این برای محمد کافی نیست که بیست سال ما را مقهور ساخت که اینک اهل بیت خود را بر ما تحمیل می کند... (همو: ۶۸۸)

این دو روایت نیز به روشنی برداشت مقاله در غرض از نزول سوره ص درباره حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان شایسته ایشان و تطبیق قصه حکومت داوود و سلیمان بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ویژه امام علی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام را تأیید می کند. بنابر همه مؤلفه های قدرت که در سوره ص در ارتباط با داوود و سلیمان علیه السلام بیان شده است به طور کامل در علی بن

ابی طالب علیه السلام وجود داشته است، در عین حال آن حضرت و جانشینان ایشان همانند شخص پیامبر علیه السلام از آسیب‌های قدرت، مصون و معصوم بوده و شیطان هیچ راه نفوذی در آنان ندارد. مطابق برداشت فیض کاشانی، مجموع روایت فوق را امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل کرده‌اند و روایت از پیشگویی‌های امیرمؤمنان علیه السلام خواهد بود و در این صورت آیه فقط بر امام مهدی علیه السلام تطبیق شده و ظهور و بروز کامل وعده‌های الهی در این سوره در عصر ظهور خواهد بود.

آسیب‌های فراروی حکومت دینی و مصونیت حکومت مهدوی از آن

در ضمن طرح قصه داوود و سلیمان در این سوره به دو آسیب مهم حکومت دینی نیز اشاره شده است، اما در همین سوره و در ضمن بیان قصه آدم و شیطان حکومت اهل بیت آن حضرت (مخلصان) به ویژه حکومت مهدوی - که در باور شیعه بر اساس مستندات عقلی و قرآنی و روایی معصوم از هر لغزش هستند - از این دو آسیب مصون معرفی شده است، همچنان که پیامبر از این دو آسیب مصون بوده است؛ زیرا اولاً به حکم آیه شریفه ۸۳ ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ شیطان راهی به فریب آن حضرت ندارد؛ ثانیاً غرض از نزول این سوره و ذکر قصه تجربه پیامبران تربیت پیامبر و جانشینان معصوم آن حضرت بوده است که تجربه‌های پیامبران را به کار گیرند و از ارتکاب ناشایست‌ها مصون بمانند. این آسیب‌ها عبارتند از:

۱. شتاب در داوری

در قصه داوود، به ذکر یک لغزش از آن پیامبر الهی در امر قضاوت که نماد حکومت‌داری عادلانه و قدرتمند است منتقل می‌شود. دو شاکی از دیوار معبد بالا آمده در محراب و محل عبادت، بروی وارد شده و طرح دعوا می‌کنند:

﴿وَهَلْ أَتَاكَ نَبِيُّ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾. (ص: ۲۱)

یکی از آن دو شاکی، ابتدا داوود را که به هراس افتاده بود آرامش خاطر داده و چنین می‌گوید: این برادر من است دارای ۹۹ میش و من داری یک میش هستم، و او با اصرار و سرسختی می‌خواهد یک میش مرا هم تصاحب کند. داوود که از فصل الخطاب و علم قضاوت و تشخیص حق برخوردار بود بی‌درنگ حکم کرد که او در درخواستش از تو، به تو ظلم کرده است، و افزود: بسیاری از شریکان چنین‌اند که بعضی‌شان بر بعضی دیگر ستم می‌کنند. اما طولی نکشید که داوود احساس کرد در قضاوتش مورد آزمون الهی قرار گرفته و لغزیده است؛ چرا که نباید پیش از شنیدن سخن متهم، حتی اگر ظالم باشد، حکم صادر می‌کرد:

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿۲۴﴾ (ص: ۲۴)

این که آن دو شاکی فرشته بودند یا انسان (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۷۳۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ۸۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۱۹۴) اهمیتی و تأثیری در غرض آیه ندارد. غرض این آیات روشن است. هشدار به حاکم مسلمان و در رأس آن پیامبر مصطفی ﷺ که کمترین خطا و انحراف در حکومت مربوط به قضاوت در میان مردم - به عنوان یک رکن اساسی در حاکمیت - فرصت ندادن به هر فردی است که علیه او طرح دعوا می‌شود، تا بتواند از خود دفاع کند، حتی اگر محکوم باشد. تا چه رسد به این که به ناروا حکمی به نفع گروه اول و علیه اهل ثروت و قدرت صادر شود. به یقین داوود علیه السلام که به صریح آیات از نیروی حکمت و فصل الخطاب برخوردار بود در قضاوتش خطا نکرد، بنابر این خطای وی در این بود که چرا پیش از آن که دفاعیات مدعی علیه را بشنود در صدور حکم شتاب کرده است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۱۹۳).

برای مصونیت از این آسیب حاکمیتی، باید اهل استغفار و بندگی و انابه بود (فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ اَنَابَ)، و اهل بیت پیامبر علیهم السلام، از جمله امام عصر علیه السلام که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرآمد عبادت کنندگان و اهل مناجات با پروردگار بوده‌اند در کنار برخورداری از سایر ویژگی‌هایی ذاتی و الهی، با تمسک به استغفار و بندگی خدا از این لغزش مصون بوده و خواهند بود.

۲. غرور آفرینی قدرت

در قصه حضرت سلیمان علیه السلام در این سوره نیز یکی دیگر از آسیب‌های حکومت دینی و دین‌داران و پیروان آن حضرت را معرفی می‌کند. این قصه در این جا به همه حاکمان دینی هشدار می‌دهد که قدرت در ذات خود همواره غرور می‌آورد، و به میزان فاصله درونی و روحی که بنده از خدا می‌گیرد، قدرت نیز بنده را از خدا دور و به سرکشی و می‌دارد (نک: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ۳۶۴)؛ چرا که از نظر روحی - روانی، طبیعت و شخصیت انسان چنین است که چون قدرت به چنگ آورد و به فرمانروایی برسد، و یا حتی احساس قدرت کند، طغیان می‌کند و می‌پندارد که قدرت فعلی وی برای همیشه هست، و با تکیه به قدرت خود به هر چه بخواهد می‌تواند برسد:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِٖ لَكَنَافٍ * أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰ﴾ (علق: ۶-۷)

در این قصه - آن گونه که مفسران گفته‌اند - سخن از آزمون سلیمان به فرزندى ناقص الخلقه به میان آمده است. شاید آن قدرت بی نظیری که به حضرت سلیمان علیه السلام اعطا شده بود، ایشان را قدری به خود متوجه کرد و به همان اندازه از توجه به خدا غافل شد و پنداشت با داشتن آن همه قدرت جسمی و روحی و فکری، خود می‌تواند صاحب فرزندانى همه مجاهد و قدرتمند شود (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۷۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۹۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۳۰۷). از آن جا که خدای تعالی با وحی هم پیامبرش را تربیت می‌کند و هم جانشینان وی را با همه اختلاف درجه و ظرفیتی که دارند، از معصومان گرفته تا سایر کسانی که در سایه دین به قدرت و حکومتی می‌رسند، در آیات این سوره حساس‌ترین نقطه لغزش و انحراف از قدرت را به عنوان آسیب مطرح کرده است، تا پیامبر و جانشینان معصومش حاکمیت خود را با این مرحله والا و بالاتر حکومت تنظیم کنند، و سایر حاکمان نیز با معیار قرار دادن شاخصه‌های ایده‌آل حکومت عدل الهی، خود را با این معیار بسنجند. روشن است که وقتی وجود این دو انحراف ظریف و حساس در حاکم اسلامی‌ای که در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکومت می‌کند ناشایست شمرده شود، به طریق اولی انحرافات بزرگ‌تر از آن، بیشتر مغضوب خدا خواهد بود و کسانی که مبتلا به آن باشند، شایسته جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حکومت نخواهند بود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی و کشف موضوع و غرض اصلی سوره ص مبنی بر وعده الهی برای استقرار حاکمیت سیاسی پیامبر، همراه با بیان ویژگی‌ها و آسیب‌هایی که ممکن است حکومت دینی را با خطر انحراف مواجه سازد و تأکید بر این که همواره در جامعه اسلامی انسان‌های مخلص و شایستگانی برای حکومت و قدرت وجود دارند و تنها آنانند که شیطان هیچ راه نفوذی در آن‌ها ندارد تا با آسیب‌های قدرت و حکومت آن‌ها را گمراه سازد، برای فهم سه روایت از اهل بیت که آیاتی از این سوره را به امام مهدی علیه السلام و شیوه حکومت آن حضرت تفسیر کرده بودند کمک گرفته شد و این نتیجه به دست آمد که بر اساس سه روایت یاد شده تجلی و ظهور و بروز حکومتی حق با اقتدار بسیار والا و بالا با ویژگی‌هایی همانند حکومت داوود و سلیمان علیه السلام، بلکه بالاتر از آن در عصر ظهور برای امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت، و مطابق تعالیم الهی در این سوره مسلماً امام مهدی علیه السلام از آسیب‌های قدرت، حتی در حد لغزش داوود و سلیمان علیه السلام نیز مصون خواهد بود. برخی از ویژگی‌های حکومت آن حضرت که در سوره ص به

آن اشاره شده عبارتند از:

۱. امام مهدی عجل الله فرجه از نسل پیامبر ص است همانند سلیمان ع که فرزند داوود ع بود؛
۲. بسیار قدرتمند (ذا الاید) خواهد بود؛
۳. تسخیر کوه‌ها و پرندگان برای داوود در تسبیح خداوند؛
۴. استحکام در فرمانروایی (شددنا مُلکَه). این ویژگی نیز بیانگر توان بسیار بالای داوود در اداره حکومت و مدیریت همه نیروهای در اختیار و موجود در جامعه است.
۵. برخورداری از حکمت در اعمال قدرت تا از قدرت در جهت هوس‌ها و منافع شخصی خود بهره نگیرد؛
۶. قضاوت و داوری عادلانه (فصل القضا)؛
۷. برخورداری از نیروی نظامی قدرتمند؛
۸. امام مهدی ع از قدرت و حکومت و فرمانروایی شامل هر نوع قدرت مادی و معنوی برخوردار خواهد بود که به احدی جز آن حضرت داده نشده و نمی‌شود، چه سلیمان چنین فرمانروایی را از خدا درخواست کرد و خدای تعالی در این سوره آن را به پیامبرش خبر و وعده می‌دهد، به گونه‌ای که علاوه بر جسم مردم بر دل‌های آن‌ها نیز حکومت کرده و مردم با جان و دل تابع و تسلیم آن باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر والتنویر، بی جا، بی نا.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲ش)، آموزش دانش سیاسی، مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران، مؤسسه نگاه معاصر.
- تیجانی، عبدالقادر حامد (۱۳۸۹ش)، مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی، ترجمه: اسماعیلی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- دراز، محمد عبدالله (۱۴۰۴)، مدخل الی القرآن الکریم، کویت، دارالقلم.
- دروزه، محمدعزت (۱۳۸۳ق)، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة.
- دیرباز، عسکر؛ مسعود صادقی (۱۳۹۰ش)، «سیاست خارجی دولت دینی با تأکید بر مفاهیم تقیه و انتظار»، فصل نامه مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۳.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹ش)، «آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری»، مطالعات تفسیری، ش ۴، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، صدر.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.

- قرطبی، احمد بن محمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم، دارالحديث.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۶ش)، *مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی*، قم، بوستان کتاب.
- مدنی، محمد (۱۹۹۱م)، *المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء*، مصر، بی نا.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹ش)، *تفسیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول.
- واعظی، احمد (۱۳۸۵ش)، *حکومت اسلامی*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- وبر، ماکس (۱۳۸۲ش)، *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه: احمد تدین، تهران، هرمس.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

شهرت مؤلف

سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۵

۱۲۶